

جوانان کمونیست ۱۵۱

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

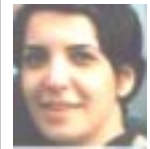
mosaber@yahoo.com

Tel: 001 604 730 5566

۳۰ تیر ۱۳۸۳
۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت



فاطمه
خداپرست
سوئد

تنفر عظیم!

امروزه سخن از اینکه زنان در جامعه نقش بیشتری داشته باشند و حقوق آنها بطوری با مردان برابری داشته باشد، بیشتر بر سر زبانها جاری است. اگر نگرشی به زن در دین اسلام داشته باشیم کماکان همه مطلع هستند که توقع اسلام از زنان، شوهرداری، بچه داری، نظافت خانه و تحمل زندگی دشوار زناشویی اگرچه منجر به زودخورد و در آخر به طلاق و گرفتن فرزندان آنها میگردد و یا اگر در خانه پدری باشد برحسب اسلام باید هرچه پسر و برادر حکم میکنند انجام دهد و هیچگونه انتخاب آزادانه برای زندگی خود نداشته باشد. حتی بودند دخترانی که در دانشگاه شهرستان دیگری قبول شده اند ولی چون دختر بوده اند و بر اساس مذهب حاکم بر خانواده که نباید دختر از خانواده دور باشد جلوی پیشرفت او را گرفته و یا مشکلاتی از قبیل فقر یا بیسوادی که منجر به فرار دختر و یا به زور شوهر دادن اوشده است.

اخیرا از رادیوی پژواک (در سوئد) شنیدم که آمار زیادی از دختران ایرانی به علت فقر و بیکاری از خانواده فراری شده اند. من خودم ۷ سال در ایران کارکردم و زمانیکه در جستجوی کار بودم به چشم خودم میدیدم در اکثر جاها وقتی کارفرمایان دختری با ظاهر زیبا و صفحه ۶

به آنها که نتوانستند!

در تظاهرات ۱۸ تیر دامنارک در برابر سفارت جمهوری اسلامی (که به فراخوان حزب و سازمان جوانان بود) یکی از اعضای سازمان جوانان کمونیست به نام مهران بهرامی با در دست داشتن عکس خمینی، خاتمی و خامنه ای در مقابل چشمان پلیس با پاره کردن عکسها از بالای نردهها به داخل محوطه سفارت وارد شد و با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی

رهبران کمونیست در میان مردم

سلام زیجی عضو مشاور کمیته مرکزی و عضو کمیته کردستان حزب به همراه واحدهای همراه و تحت حفاظت حزب به مدت دوهفته در حومه شهرهای سقز و بانه حضور پیدا کرد و مورد استقبال گرم مردم قرار گرفت. پروژه رهبران کمونیست در میان مردم اینبار در حومه شهرهای سقز و بانه اجرا شد. در پنج سال گذشته عبدالله دارابی و مجید حسینی از اعضای رهبری حزب چندبار در شهر مریوان و حومه حضور پیدا کردند و در گردهمایی ها و تجمعات مردم سخنرانی کردند. سال گذشته مظفر محملی با واحدهای همراه در تفریحگاه بزرگ سنندج در میان مردم حضور یافت و به سخنرانی و بحث با مردم پرداخت. پروژه حضور کادرهای محبوب و شناخته شده حزب در شهرها و حومه شهرهای کردستان با استقبال گرم مردم رویو بوده است. حضور سلام زیجی کادر شناخته شده و عضو مشاور کمیته مرکزی و اعضای حفاظت حزب در حومه

نفرت خود را بر علیه این حکومت نشان داد. در این تظاهرات پلیس دامنارک مهران بهرامی را دستگیر کرد و رامین قانع جهرمی عضو دیگر سازمان جوانان را بطور وحشیانه ای مورد ضرب و شتم قرار داد. امید حدابخشی مسئول واحد دامنارک مصاحبه هایی را ترتیب داده است که در صفحه ۳ میخوانید.

شهرهای سقز و بانه گام دیگری در راستای این سیاست حزب بود و با موفقیت به اجرا درآمد. این پروژه از ۱۶ تیرماه (۶ ژوئیه) شروع شد و روز ۲۹ تیر (۱۹ ژوئیه) به اتمام رسید. سلام زیجی در جمعیهای مختلف مردم حاضر شد، به بحث و تبادل نظر در مورد اوضاع سیاسی ایران، موقعیت جمهوری اسلامی و سیاستهای حزب کمونیست کارگری پرداخت و در روستای «سماقلو» از توابع سقز برای مردم سخنرانی کرد و به سئوالات آنها پاسخ داد. در این گشت سیاسی نشریات و ادبیات حزب و همینطور پوستر منصور صفحه ۶



سخنان آذماجادی، فاتح بهرامی، فاتح شیخ، مرید احمد، مریم نمازی و حمید تقوایی در باره جوانب مختلف کار و تلاش منصور حکمت گوش دادند. کسی که شاید بیش از هر کسی در جهان معاصر تجلی این بیان مشهور مارکس که زیر مجسمه او نیز نقش بسته، بلشد: «فلاسفه به انحاء گوناگون جهان را تفسیر کردند، مساله اما تغییر آتست!»

به یاد ژوپین!

مردی برای تغییر!

روز ۱۰ جولای به دعوت آذر ماجدی و فراخوان احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق دوستداران منصور حکمت در دومین سالروز مرگ او در گورستان های گیت حاضر شدند و مجسمه منصور حکمت را که به مجسمه مارکس خیره نشسته است، غرق گل های خود کردند. سپس در سالی در نزدیکی اجتماع کردند و به

۱۸ تیر: درس بزرگ! سروش دانش، تهران

هیجده تیر امسال به خوبی برای جمهوری اسلامی سپری شد. هیچ حرکت خاصی در مقایسه با سالهای پیش انجام نشد. نیروهای جمهوری اسلامی بیش از پیش در خیابانها جمع شده بودند. می توان این حرکت نیروهای جمهوری اسلامی را از ضعف آن دانست. اما با همین ترس و جمع کردن پلیس و گله های بسیج و سپاه توانست یک امتیاز مثبت مقطعی برای خود داشته باشد و یک شکست مقطعی را به نیروهای سرنگونی طلب تحمیل کند. باید اعتراف کنیم که در ۱۸ تیر امسال شکست خوردیم. و این هم فقط به علت فقدان سازماندهی مشخص و سازوکار معین در تجمع اعتراضات بود. این درس بسیار بزرگی برای ماست که اگر دست روی دست بگذاریم و به دنبال «هرچه پیش آید، خوش آید» باشیم، هیچ کاری را از پیش نمی بریم. اما هر روز میتواند برای ما ۱۸ تیر بس بزرگتر و با شکوهرتر باشد. چه بسا با بند کردن به حجاب و وضعیت غیر اسلامی جوانان اعتراضاتی در محله ها شروع شود یا خیابانها بعد از بازی فوتبال صحنه زودخورد نیروهای امنیتی یا جوانان باشد. فرصت ها برای ما تمام نشده و تمام نخواهد شد، ولی باید هرچه سریعتر دست به کار شد و برای پیشبرد اهداف صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

علیه فدرالیسم در دفاع از مردم



جمال کمانگر

اخیرا کنگره سیزدهم حزب دمکرات کردستان ایران بعد از ۵۰ سال تبلیغ شعار «دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان» خاتمه داد و شعار ارتجاعی فدرالیسم قومی را برگزید. فدرالیسم قومی همانطور که منصور حکمت بروشنی توضیح داد جز دامن کردن جنگ و جنال اقوام و سودجویی دار و دسته های بورژوازی ثمری نخواهد داشت. فدرالیسم معنی واقعی اش در دنیای ما سناریوی سیاه است.

اما سوال این است چرا در این مقطع زمانی حزب دمکرات به استقبال این شعار رفت؟

حزب دمکرات بعنوان یکی از احزاب اصلی ناسیونالیست کرد همواره سیاستی پراگماتیستی و نان به نرخ روز خور داشته است. چه هنگام سر کار آمدن ارتجاع اسلامی که به دست بوسی خمینی رفت. و چه در طول حیات رژیم اسلامی و در مقاطع مختلف از زیر و به دور از چشم مردم و از بالای سر آنها مشغول بند و بست با جنبانکاران اسلامی بوده است. قاسملو دبیر کل این حزب بر سر میز مذاکره مخفی با پاسدارن رژیم جان خودش را از دست داد. با انتخاب خانی مطرح شدن اصلاح رژیم باز این حزب هوس ارتباط و بند و بست را از سر گرفت. به پروژه ارتجاعی «فرهنگی» که مستقیما از جانب رژیم اداره میشد و عقب مانده ترین نمادها و اداب و رسوم عهد بوق و ناسیونالیستی را زنده میکرد استقبال کرد. فراخوان به شرکت مردم در انتخابات مجلس ششم و شوراها داد. با شکست ۲۴ خرداد یک بار دیگر حزب دمکرات با بن بست مواجه شد.

حمله آمریکا به عراق و برقراری سناریو سیاه در این کشور رویای حزب دمکرات برای عراقیزه کردن ایران و جلو دار شدن ارتش آمریکا در حمله احتمالی به جمهوری اسلامی و پیاده کردن «رژیم چنچ»، به سیاست روز این حزب بدل شد. حزب دمکرات سنتا با احزاب سوسیال دمکرات اروپا رابطه دارد. و در جریان جنگ آمریکا علیه عراق این روابط به تیرگی گرایید. حزب دمکرات کشف کرد که باید مانند برادران کرد عراقی دست به دامن آمریکا شود. این بار چشم انداز فدرالیسم در عراق و آوانس هایی که آمریکا به احزاب کردی در عراق، و به قیمت به تباهی کشیدن زندگی مردم کردستان عراق داده بود، این حزب را به صرافت تغییر شعار استراتژیک اش اناخت. این در سطح منطقه برای حزب دمکرات زمینه مساعدی فراهم کرده بود، تا طبق سنت دیرینه اش حالا هم نانش را به نرخ روز بخورد.

اما در سطح داخلی ایران مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم مشخصا از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر سال گذشته شاهد اوج گیری عظیمی بود. بیش از یک ماه تظاهرات شبانه روزی که به انقلاب شبانه معروف شد. شاهد به چه چرخیدن جامعه در ابعاد گسترده بودیم. این تحرک چپ و بویژه طرح شعارهای «آزادی و برابری» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» باعث شد که جناح راست اپوزیسیون جمهوری اسلامی و شعار رفراونومش سکه یک پول شود. مردم در تظاهراتهای هزاران نفره ۱۸ تیر در خارج کشور نیز با شعارهای «آزادی و برابری» و «مرگ بر جمهوری اسلامی» رویای راست را نقش بر آب کردند. چپ در جامعه کردستان و به ویژه حزب کمونیست کارگری به نیروی مردمی و اجتماعی تبدیل شده است. ما شاهد عروج کمونیسم کارگری در جامعه کردستان هستیم. شکست سیاسی و نظامی آمریکا و تبدیل عراق به میدان تاخت و تاز ارتجاعی ترین نیروهای سناریو سیاه، بار دیگر حقانیت مواضع چپ و بویژه حزب

کمونیست کارگری ایران را به وضوح نشان داد. رشد چپ و حزب کمونیست کارگری جناح راست اپوزیسیون را وادار به چاره جویی و به فکر ضد حمله به مواضعی که چپ در طی ۲۰ سال اخیر به دست آورده بود، اناخت. مطرح کردن شعار فدرالیسم توسط احزابی مانند حزب دمکرات و جمهوریخواهان و دمپین در عقب مانده ترین احساسات قومی مردم و برجسته کردن قومپرستی و عرق قومی در تبلیغات روزانه آنها قرار گرفت. طرح این شعار تماما علیه خواسته های انسانی مردم برای آزادی، رفاه و برابری و خلاصی فرهنگی و کوتاه کردن دست منخب از سر مردم است. مردم آزادیخواه به این احزاب بی مسئول که بازی با مقدرات مردم را جزو کسب کار سیاسیون میدانند اجازه نمی دهند که این نسخه جنگ قومی در ایران رواج پیدا کند.

ما بارها گفته ایم که فدرالیسم شعاری ارتجاعی است و باید خنثی شود. هر بورژوازی که به ظاهر هم بی خطر باشد اگر جامعه را علیه آن واکنش دهد نکتیم دیر یا زود مردم را گرفتار خواهد کرد. ستم ملی در کردستان داری سابقه ای با بیش از نیم قرن جنگ و کشتار است که تنها راه حل مسالمت آمیز و متمنانه آن مراجعه به آراء مردم است که در یک رفراونوم آزاد رای به استقلال کردستان بدهند یا مانند شهروندان متساوی الحقوق در چهارچوب ایران بمانند. فدرالیسم استخوان لای زخم است و عملا پرچم تلاوم جنگ قومی است.

ما تلاش میکنیم که یک حکومت آزاد برابر و مرفه سر کار بیآوریم که اساسش حقوق جهان انسان و مبتنی بر حکومت مستقیم مردم یعنی شوراها باشد که به طریق اولی از هر سیستمی دیگر محلی تر و دخالت مردم گسترده تر است. مبارزه با همه مظاهر ستم ملی امر چنین حکومتی و مناسباتی است که اختیار را ب دست خود مردم میسپرد. ما اجازه نمی دهیم فدرالیسم قومی سرنوشت میلوها نفر در جامعه را به نابودی بکشاند.

ویشرفت نخواهند کرد. چه راحت حق آزادی بیان توسط انسانهای زورمند حاکم بر جامعه در سینه حبس میگردد. مگر آنها فرشته اند یا از انسانهای دیگر برتری دارند؟ همه انسانها یک جوربه دنیا آمده اند پس چرا نظام طبقاتی بین زن و مرد در مذهب اسلام وجود دارد؟ حالا هم اگر هست ما نمیخواهیم. چرا آزادی و حق بیان را از ما گرفته اند؟ چنان تنفر عظیمی به عنوان یک زن در وجود جمع بسته است که اگر روزی برسد همه این به ظاهر اسلام نمایان را سرکوب خواهم کرد و به عنوان یک زن دست از مبارزه بر علیه اینها بر نخواهم داشت.

به امید آزادی هر چه زودتر کشورم از شر رژیم جمهوری اسلامی و برقراری و ایجاد یک جامعه نوین بدون طبقه و بدون استعمار.

تیره های دار را بسرشان خراب کنیم

قساوت شان، ما، شما و همه آزادیخواهان را بترسانند! باید جلوی این قصابی و خونریزی اسلامی را گرفت.

پیام بهرام مدرسی، دبیر سازمان جوانان کمونیست به جوانان و دانشجویان

محکومیت در هیچ دادگاهی نمی تواند توجیهی برای حکم مرگ هیچ بشری باشد. نگذارید با فریب ها و ادعاهایی چون مجازات اشرار و متجاوزین، و هر بهانه دیگری چوبه های دارشان را بریا کنند.

باید پای هرچوبه داری که برپا می کنند، برای اعدام هر کسی و به هر بهانه ای، به بهانه اعتیاد یا قاچاق یا تجاوز و یا فعالیت علیه نظام، تجمع کرد و اجازه نداد این مومیایی های میشر مرگ و نیستی جان کسی را بگیرند. باید با نیرو و زور خودمان ممنوعیت اعدام را اجرا کرد.

حکومت اسلامی رفتنی است، اما نباید اجازه داد بر سیر رفتن اش بیش از این قربانی بگیرد. باید چوبه های دار را برسرشان خراب کرد.

مرگ بر جمهوری اسلامی!
ممنوع باد اعدام!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!
۳۰ تیر ۱۳۸۳ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۴

باز هم اعدام و دار زدن علنی مردم توسط رژیم اسلامی ایران به صدر اخبار رسیده است. در روزها و هفته های اخیر، موجی دیگری از برپایی چوبه های دار و بساط اعدام علنی براه افتاده است و جهانی را از اینهمه توحش متزجر کرده است. بیشتر قربانیان چوبه های دار علنی، محکومین «دادگاههای جنایی» اند. محکومین سیاسی را غالبا در خفا و یا با پرونده های ساختگی جنایی میکشند و اینهمه برای ترساندن مردم است. اینهمه برای خریدن کمی وقت بیشتر برای حکومت مشرف به موتشان است.

جوانان، دانشجویان، مردم آزادیخواه!
این دارهاو اعدماها، مستقیما همه ما را نشانه می گیرد. میخواهند با آدمکشی و نشان دادن طریت

از صفحه ۱

درس بزرگ!

انقلابی خود بکوشیم. خیلی رک میگویم که بعد از ۱۶ آذر امسال که حرکت نسبتا خوبی انجام شد (اشاره با بالا رفتن پرچم آزادی و برابری در دانشگاه تهران) که آن هم با سازماندهی خاصی نبود، حرکت منسجم دیگری نداشتیم. کارگران و معلمان و پرستاران اعتراض و تحصن کردند اما این اعتراضات هم فاقد پیگیری و خواسته های شفاف بود که این هم ضعف تشکیلاتی و سازمان دهی ما را میرساند. اگر بازهم صبر کنیم وضع همین است. اگر پایمان را از روی گلولی جمهوری اسلامی برداریم، او پیش از میگذارد. وقتی میتوانیم ادعا کنیم که میتوانیم با یک حرکت جمهوری اسلامی را به لرزه درآوریم که سازمان مشخصی داشته باشیم. تا کی باید منتظر شلوغ شدن بنامیم. باید خودمان پتانسیل شلوغ کردن و متشنج کردن فضا را داشته باشیم که متاسفانه نداریم. سازماندهی به شکل فعلی در سازمان جوانان کمونیست دارای بسیاری مشکلات است. همه هم به این اذعان دارند اما اینکه چرا کسی این رویه را تغییر نمی دهد، برای من جای سوال است. مطمئنا از نظر امنیتی خطر بیشتر میشود، اما اگر با همین خطر بیشتر بتوانیم جنبش ها و حرکت های اعتراضی را نمایندگی کنیم آن وقت است که سران جمهوری اسلامی باید فاتحه خود را سردهند و از ابوالفضل بی دست طلب کمک کنند.

بنشینیم همین وضعی را داریم که الان داریم. اما ما چون هیچ گاه وضع موجود را نمی خواهیم و در صد تغییر آن هستیم باید دست به کار شویم.

در ۱۸ تیر دیدیم که جمهوری اسلامی توانست (بگوید از ترس روز افزون) با نیروهای امنیتی راه را بر ما ببندد. با هم تعارف هم نداریم. توانست جلوی ما بایستد. کاری که اکثر جلس میزدیم را توانست بکند و ما هم نتوانسیم کاری بکنیم. اما فضا را باید تغییر داد. باید کاری کنیم که حتی جرات نکند نیروهای خود را بیرون بیاورد، چه برسد به اینکه بخواهد برای ما خط و نشان بکشد. ما باید دست به کار شویم و جلوی نفس کشیدن شان را بگیریم.

از صفحه ۱

تنفر عظیم!

فریبا میلیدند باوجود خواندن نماز بجای اینکه برای کار او را استخدام کنند برای استفاده شخصی خود ولنتشان حقوق پرداخت می کردند. چطور در جامعه ای که امنیت نیست و از زن بصورت یک کالا برای چند لحظه شهوت خود استفاده میکنند یک دختر و یا زن میتواند کار کند؟

این دیگر بر همگان روشن و واضح است که به راحتی زنان را با دادن پول به جای حقوق از آنها استفاده جنسی میکنند. مگر نه اینست که زن موجودی احساساتی و ظریف است، پس چطور اینهمه سختی را بر طبق قوانین اسلام میتوانند در طول زندگی متحمل شوند؟ مگر چقدر نیرو برای آینده او باقی

میمانند؟

برای همین وقتی نوشته های منصور حکمت را در مجموعه آثار وی خواندم مخصوصا قسمت یک دنیای بهتر، یکی از ارکان کمونیست کارگری برابری و آزادی زن و مرد است و کمونیست کارگری شاخصهای سعادت انسان را بر آزادی، عدالت، رفاه و برابری میدانند که هر انسانی خود اگر در نهادش این شاخصها نقش بسته باشد به راحتی آینده ای بهتر را خواهد ساخت. بر این اساس و دیگر مطالعاتی که از این حزب داشتم به این حزب وارد شدم.

در وجود و نهاد هر کس گاهی صدایی به او نوید میدهد و از دلش میگردد، برای اینکه در بعضی مواقع تصمیمی بگیرد ولی وقتی در جایی قرار گرفته باشد که دست ویای او

ما و ۱۸ تیر

پاسخ به یک سوال بهرام مدرسی

دادند. مردم نشان دادند که موقعیت را درک میکنند، در ۱۸ تیر تن به درگیری نابرابر ندادند، تا یک روز دیگر در شرایط متناسب به این مبارزه ادامه دهند. به نظر من بهرام مدرسی خیلی با حرارت صحبت کرد، اما بعوض اینکه مردم را بخاطر درایت سیاسی‌شان ستایش کند، آنازرا در مجموع خود نفرین میکند که چرا عضو حزب کمونیست کارگری نیستند!!!!

۱۸ تیر امسال از یکطرف نشان وحشت رژیم بود (بمعنی ترس از مرگ که در این صورت میتواند به هر جنایتی دست بزند) و هم درایت سیاسی مردم، که تن به درگیری در این روز ندادند. امپدورم به‌گونه‌ای این را در تلویزیون مطرح کنید، اینگونه تحلیل فقط میتواند یاشار ها را از ما دور کند.»

پاسخ من به محمود عزیز این است، دوست عزیز، شما به نکات بسیار درستی اشاره میکنید. اینکه مردم در ۱۸ تیر با دیدن توازن قوایی که به آنها تحمیل شده بود، به درستی به درایت مردم را نشان داد، و اینکه خواست که به‌خیابان بیایند و اینکه این در بعضی مواقع خودکشی خواهد بود و اگر که بدون توجه به توازن قوای



موجود، مردم را به خیابان بکشانیم. اینها نکات بسیار درستی هستند که من کاملا با آنها موافقم، اما درعین حال لازم میدانم به همین نکات کمی بیشتر بپردازیم.

اینکه مردم توازن قوا را میشناسند و میدانند که وقتش است که به خیابان بیایند و کی نه، نکته‌ای کاملا درست است. مردم و اینجا بخصوص جوانان در چند سال گذشته، درست از زمانی که برای اولین بار به خاتمی رای دادند و دوم خرداد را جلو انداختند، همین درایت و تشخیص توازن قوایی که به آنها امکان ابراز وجود میداد را نشان میدادند. امروز دیگر بسته به اینکه این توازن قوا چگونه باشد و چه کسی (مردم یا رژیم) در جایی زور بیشتر میرسد، روسی‌ها را بالا و پائین میبرد و به دوست سپرها و دوست دخترها میگوید که دستهایشان را علنا یا مخفیانه بگیرند. منظور این است که زندگی (و به طبع آن مبارزه برای بهتر کردن آن) امروز دیگر تماما در همین توازن قوای میان مردم و رژیم، که محمود عزیز به درستی به آن اشاره میکند، جریان دارد. مردم و جوانان در

این چند سال گذشته درایت بسیار بالایی در این زمینه را از خود نشان داده‌اند. اما از طرف دیگر من، شما، دوست عزیزمان محمود، تکتک خوانندگان این نشریه و بینندگان تلویزیون اترنالیونال و همه آن جوانان، دختران و پسرای که روز ۱۸ تیر این تناسب قوا را تشخیص دادند، یکی از عوامل سازنده این توازن قوا و شرایط هستیم. اگر چنین است، بنابراین خود ما هستیم که میتوانیم توازن قوا را به طرفی بکشیم. یا میتوانیم اجازه دهیم که به طرف دیگری کشیده شود.

این به نظر من درست به اندازه دیدن توازن قوا و حتی بیشتر از آن مهم است. میتوان این شرایط را دید و تفسیرش کرد. یا میتوان همین شرایط را دید و درمورد تغییرش صحبت کرد. بحث من با ثریا شهبانی در تلویزیون اترنالیونال، بحث تغییر این شرایط بود (همین بحث در شماره قبل جوانان کمونیست - ۱۵۰ منتشر شده است).

سوال این است که آیا ما و همه جوانان و مردمی که روز ۱۸ تیر در خیابانها بودند، به خود میگفتند که خوب شرایط امروز چنین است و به آن رضایت میدادند؟ یا اینکه عصبانی و خشمگین از این شرایط به چگونگی تغییر آن فکر میکردند؟ به نظر من ۱۹ تیر دومی صادق است. کسی روز ۱۹ تیر بخود نگفت که خوب کردیم تظاهرات نکردیم، که شرایط را دیدیم و غیره، هر چند همانطور که قبلا گفتم دیدن شرایط و درایت نشان دادن در این اوضاع، امروز دیگر جزئی از روانشناسی

تظاهرات شرکت داشتند به این عمل وحشیانه پلیس اعتراض کردند. ولی پلیس با شدت به ضرب و شتم من ادامه داد و بعد به بازداشتگاه انتقال داد. امید امیدی: با سلام خدمت خوانندگان نشریه جوانان کمونیست، من پناهجو و عضو فعال حزب کمونیست کارگری هستم که با هفته نامه همبستگی و سایت آن همکاری میکنم. منم در تظاهرات شرکت داشتم. (نفر جلوی عکس تظاهرات). برای اولین بار بدون اینکه ترسم از چماق بدستان و مزدوران جمهوری اسلامی، با جوانان کمونیست و مردم آزادیخواه و برابری طلب با صدای بلند شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را فریاد زدم و با شعارهای دیگر جمهوری اسلامی را که ۲۵ سال است آزادی فرد و جوانان را ، و اعدام جواب میگوید، محکوم کنیم. ما در قرنی زندگی می کنیم که معنای انسان بودن و زندگی کردن برای همه مشخص است. جمهوری اسلامی با فریب دادن مردم ایران خصوصا جوانان توانست با خرافات مذهبی حکومت ننگین خود را بنا کند. ولی دیگر عمر این حکومت پایان یافته و مردم ما همه آگاه و هوشیار هستند و با تظاهراتهایی که انجام میشود چه در داخل و چه در خارج از کشور نفرت خود را بر علیه حکومت دیکتاتوری

از صفحه ۸
به آنها که نتوانستند!
جوانان کمونیست: لطفا خودتان رو معرفی کنید؟ چند سال دارید؟ چه مدتی است از ایران خارج شدید؟
مهران بهرامی: من مهران بهرامی ۲۳ ساله هستم و حدود هفت ماه (ژانویه ۲۰۰۴) پیش از ایران خارج شدم.
رامین قانع جهرمی: من ۳۰ سال دارم و حدود یکسال است از ایران خارج شدم.
جوانان کمونیست: از چه زمانی و چطور با کمونیست کارگری آشنا شدید؟
در حال حاضر چه میکنید؟
مهران بهرامی: در دوران سربازی از طریق یک دوستان همخمدتی با حزب کمونیست کارگری آشنا شدم و در همان زمان فعالیت را آغاز کردم. در حال حاضر فعال سازمان جوانان کمونیست و کمک مجری و صدا بردار در رادیو همبستگی مالمو (شهری در جنوب سوئد) هستم.
رامین قانع جهرمی: من کلا در یک خانواده بزرگ بزرگ شدم و از طریق برادرم با حزب آشنا شدم و کنفرانس برلین نقطه شروع فعالیت سیاسی من در ایران بود. از زمان ورودم به سوئد در رادیو همبستگی در زمینه صدا برداری و مجری فعال بودم و در حال حاضر مسئولیت آموزش صدارداری بر عهده من است. همچنین در زمینه

جمع کردن کمک مالی برای پناهجویان مخفی در سوئد و برای حزب و برپایی میز کتاب در واحد مالمو کار میکنم .
جوانان کمونیست : چطور شد تصمیم گرفتید روز ۱۸ تیر وارد سفارت شوید؟
مهران بهرامی : روز ۱۸ تیر ۷۸ چند تن از دوستانم که دانشجو بودند بازداشت شدند و تاکنون هیچ کس از آنها اطلاعی ندارد و امسال روز ۱۸ تیر روبروی سفارت جمهوری اسلامی یک لحظه به جوانان و دوستانم در ایران فکر کردم که با توجه به جو خفقان و سرکوب حاکم نمیتوانند فریادهایشان را بر سر جمهوری اسلامی بزنند. تصمیم گرفتم که وارد سفارت جمهوری اسلامی شوم و به صورت سمبولیک خشم و نفرت میلیونها جوان را به گوش جهانیان برسانم. می خواستم نشان دهم که اگر در ایران به هر زحمتی توانستند ۱۸ تیر را از سر بگیرند، در خارج کشور سازمان جوانان کمونیست امسال به طرف سفارت جمهوری اسلامی رانند و بعد از پاره کردن عکسهای خامنه‌ای و خاتمی و خمینی از بالای زردها وارد سفارت شدم و شروع به شعار دادن بر علیه جمهوری اسلامی کردم ، تظاهر کنندگان هم در بیرون با حمایت از من شروع به شعار دادن کردند. وقتی ما شعار میدادیم ترس و وحشت را در صورت مزدوران

از کمیته خارج سازمان جوانان کمونیست
به: اعضا و کادرها سازمان موضوع: تشکر و قدر دانی
رفقا حضور فعال و چشمگیر شما در ۱۸ تیر سر آغاز یک دوره فعالیت پر شور و انقلابی شما بود. از طرف کمیته خارج سازمان جوانان از تک تک شما که با ابتکارات و نقش فعال خود رنگ سازمان جوانان را بر تظاهرات ۱۸ تیر زدید، قدر دانی میکنم و دست یکا یک شما را به گرمی مفشارم. پیش به سوی حضور قدرتمند سازمان جوانان کمونیست در تحولات انقلابی در ایران.

جمال کمانگر دبیر تشکیلات خارج سازمان جوانان کمونیست
۱۶ جولای ۲۰۰۴

احکام ۱۸ تیر ۸۳

اوضاع سیاسی و وظایف ما

مصطفی صابر

تیرام پیکر رژیم وجود دارد. نشان داد که اتفاقا مساله بود و نبود جمهوری اسلامی عاجل تر از همیشه در دستور جامعه است. چنانکه دو ماه قبل از ۱۸ تیر، کابوس آن سرتاپای رژیم را به رعشه انداخته بود. و تا این لحظه (بیش از یک هفته بعد) هنوز ۱۸ تیر برای رژیم تمام نشده است. حزب اله چرخانی ها تازه مثل اینکه دارد اوج هم میگیرد. هر ناظری می بیند که رژیم هر روز و هر لحظه و همه جا نیاز به ترساندن و مرعوب کردن مردم دارد. طور دیگری نمی تواند به بقاء ادامه دهد.

ولی آیا رژیم نمی تواند تا اطلاع ثانوی بگردد و بزند و بکود و به بقاء خود ادامه دهد؟ آیا بالاخره جایی مردم خسته نمی شوند؟ و وقتی آنها خسته شوند آیا رژیم نمی تواند دست به برخی فرم های از بالا بزند، حتی تعدیل هایی در جمهوری اسلامی ایجاد کند، حمایت بورژوازی غرب را بدست بیاورد، رونق اقتصادی آغاز کند و خود را برهاند؟

این البته مطلقا غیر ممکن نیست. این همان به اصطلاح راه حل چینی به

۱۸ تیر امسال بیشتر از آنچه که در نگاه اول بنظر میرسد، حائز اهمیت است. آینه ای شفاف بود که میتوان در آن تصویر خود را بخوبی دید و بایدها و نبایدها را یکبار دیگر مرور کرد و برای گسترش مبارزه آماده شد. ۱۸ تیر امسال بشیوه خاص خود احکام روشنی در مورد رژیم، اپوزیسیون راست و چپ آن، شیوه های مبارزه مردم و سیر آینده اوضاع ایران صادر کرد. بویژه تأکیدی بود بر آنچه که حزب کمونیست کارگری در تمام سالهای اخیر بر آن پای فشرده، مردم را به آن فراخواند و خود را برای آن آماده کرده است.

چرا رفتی است!

برخی میتوانند از ۱۸ تیر امسال نتیجه بگیرند: «خب دیدید اتفاقی نیفتاد. برگردید به خانه هایمان، سر و کار و زندگی تان، این رژیم ماندنی است. نشان داد که از پس ۱۸ تیر هم بر می آید.» این ارزیابی از سرتاپا خطاست. ۱۸ تیر درست عکس آن را نشان داد. نشان داد که چه وحشتی در

از صفحه ۳

ما و ۱۸ تیر

شاید؟ آیا اساسا ما روشمان تا امروز «خون بر شمشیر پیروز است» بوده است؟

طبعاً جواب همه این سوالات منفی هستند. این را نه از من، از همه کسانی که حتی یکبار با این حزب و این سازمان برخوردی داشته اند پرسید. این سازمان و حزبی است که پرچم لغو حکم اعلام را در دست دارد. این سازمان و حزبی است که برای بیرون کشیدن هر تک نفری که رژیم به زندان میاندازد و یا هر تک نفری که رژیم میخواهد اعدامش کند، دنیا را روی سرش میکندارد. جواب همه این سوالات همانطور که گفتم قطعاً منفی هستند. پیوستن به حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست از نظر من کلید و راه حل است. امروز دیگر تنها

به اندازه کافی دست در دست این سازمان و حزب میگلشاندند، حتما آن توازن قوایی که رژیم در آن دست بالا را پیدا کند، تغییر میکرد و حتما ۱۸ تیر رنگ دیگری بخود میگرفت و حتما اگر شرایط علیرغم این، مناسب نظافت نبود، فراخوان به خیابان آمدن را نمیدادیم. این کل داستان است و در عین حال صحبت من از زاویه دیگری انتظار از خودمان است. اگر این انتظار «که میشد ۱۸ تیر پرتحرک تر و تعرضی تری داشت» نوعی نقد و کمبودی را بیان کند، تصور میکنم که بیش و پیش از هرکسی و پیشاپیش مردم باید از سازمان جوانان آن انتظار و توقع را داشت که بهتر و بیشتر کار میکردند. قطعاً اگر ما بهتر کار میکردیم، مردم هم کاردگری میکردند. حزب و سازمان جوانان سالها است که با مبارزات مردم رابطه ای دوطرفه و متقابل دارند. کار ما روی مبارزات مردم تأثیر دارد و متقابلاً.

در ادامه اجازه میخوام که بخشی از بحث محمود عزیز را کمی «غلط» کنم تا به نکته مهمتری بپردازم. غلطی که حتما منظور محمود عزیز نیست. چرا فراخوان پیوستن به حزب کمونیست کارگری بلافاصله برابر میشود با اینکه میخواهید مردم را به کشتن بدهید؟ آیا این در مورد هر حزبی که فراخوان پیوستن به خودش را بدهد صادق است؟ اگر برای نمونه حزب جمهوری خواهان فراخوان پیوستن به خودش را بدهد، که میدهد، کسی میگوید شما میخواهید مردم را به



شیوه جمهوری اسلامی که اکنون بنظر میرسد بعد از شکست دوم خرداد تنها «رسمان الهی» است که رژیم به آن آویزان است. این همان تحلیلی است که مایوسان حرفه ای، «نمی شه» گویان سنتی، تمام کسانی که از تغییر در اوضاع بیشتر وحشت دارند تا از این جمهوری جنایت، میتوانند ارائه دهند. اما بگذارید واقع بین باشیم. چنین تحولی به دو فاکتور اصلی و مرتبط خسته شوند و یا شکست را قبول کنند و بهر حال از مبارزه برای تغییر جمهوری اسلامی دست بکشند. (۲) جمهوری اسلامی چنان تغییرات مشهود ایدئولوژیک، فرهنگی، اداری و سیاسی بکند تا سرمایه داری ایران بتواند در انطباق با سرمایه جهانی دوره ای از انباشت و رونق را آغاز کند. ولی همه مساله این است که تحقق این دو فاکتور مستلزم چنان تحولاتی است که

کشتن بدهید؟ چرا وقتی کمونیستهای کارگری این فراخوان را میدهند، این حکم داده میشود؟ این بخشی از تصویری است که طبقات حاکم مایلند در مورد کمونیستها به جامعه بدهند. عزم کمونیستهای کارگری برای بیزیر کشیدن حکومت سرمایه داران و به دست گرفتن قدرت و اداره جامعه، برای طبقات حاکم برابر است با خلعید از آنها، برابر است با پایان دادن به استثمار انسان و به این اعتبار پایان دادن به ثروتمندی اقلیتی از جامعه به قیمت فقر و گرسنگی اکثریت آن. این حتما به ضرر طبقات حاکم است و حتما از آنجا که این طبقات و نمایندگانشان به زبان خوش کنار نمیروند، همراه خواهد بود با قهر و خشونت. قهر و خشونت که به ما تحمیل میشود. قهر و خشونت که شما مجبورید برای بیزیر کشیدن نظام و رژیمی که تا ندان مسلح است به آن دست ببرید. طبقات حاکم این قهر علیه خود را به خشونت کمونیستهای کارگری علیه کل جامعه معرفی میکنند. جامعه ای که اکثریتش در لحظه به لحظه حیات خود درگیر جنگی برای بقا است، گرسنگی، استثمار، بیکاری، کار کودکان، فقان، سرکوب، زنان و مذهب ابعاد کوچکی از جنگی هستند که اتفاقاً طبقات حاکم روزانه به ما تحمیل میکنند، جامعه ای که اکثریت آن از قهر علیه طبقات حاکم و بیزیر کشیدن آن ذینفع است و درست به همین اعتبار میتواند و باید پرچم حزبی که این اقلیت را بیزیر میکشد را به دست بگیرد. امروز بخصوص که قدرت و دامنه

در مسیر خود میتواند بارها حفره هایی ایجاد کند که جمهوری اسلامی در آن سقوط کند و برای همیشه مدفون شود. تاریخ روی خط مستقیم و بنا به اراده هیچ کس پیش نمی رود. عرصه مبارزه طبقات و جنبش هاست. اراده جنبش ها و احزاب نیز این وسط نقش محوری بازی میکند. تحقق این دو فاکتور برای جمهوری اسلامی بسیار سخت تر است از سرنگونی جمهوری اسلامی توسط ما!!

وانگهی، و این خیلی مهمتر است، هیچ دلیل و نشانه ای بر تحقق فاکتورهای فوق در دست نیست. درست برعکس، ۱۸ تیر امسال بطور موکدتر نشان داد که اوضاع سیاسی در جهت مخالف تحقق فاکتورهای فوق سیر میکند: تارک عظیم رژیم اسلامی برای مقابله با ۱۸ تیر اعلام این بود که مردم تا اطلاع ثانوی سر کوتاه آملن ندارند. (فاکتور اول) رژیم صلبار بیشتر مایل بود که حکومت نظامی ضمنی برقرار نکند ولی با چند تظاهرات در جلوی دانشگاه بسازد. اما ارزیابی رژیم (بدرست) این بود که اوضاع ملتهب تر از این حرفهاست. جای هیچ ریسکی نیست. باید بشدت مقابل مردم ایستاد. و دقیقاً برای اینکه مردم را بترساند مجبور شد به کنترل هر چهار راه و محله، حزب الله چرخانی علیه زنان، حمله به ابتدائیات تمدن امروزی از لباس گرفته تا دوجرخه، از

نفوذ حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست، دیگر قابل چشپوشی نیست، این «به کشتن میدهد ها» بیان همان نگرانی طبقات حاکم است. همانطور که گفتم این حتما منظور محمود عزیز نبوده است. برای ما اما آنچه که کماکان در ارزیابی از ۱۸ تیر باید مکرراً گفته شود این است:

«رژیم اسلامی را تنها حزبی میتواند سرنگون کند که نفعی در حفظ سرسوزنی از کل دستگاه اداری، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رژیم اسلامی ندارد و به این اعتبار نمایندگی عمیق خواست سرنگونی رژیم اسلامی را میکند و هم اینکه «نقشه عمومی برای تارک سرنگونی رژیم اسلامی» را دارد. این حزب کمونیست کارگری ایران است. حزبی که ما سازمان جوانان کمونیست خواهان به قدرت رسیدنش هستیم. ارزیابی از ۱۸ تیر امسال به این اعتبار رویه ما دارد. ما فعالین سازمان جوانان کمونیست و سازماندهندگان اعتراضات مردم. ما هنوز در موقعیتی نیستیم که آن افق عمومی را به فعالین و سازماندهندگان اعتراضات جوانان و مردم در سطح کل کشور دادباشیم. ما هنوز همه این فعالین و سازماندهندگان را با خود و به این اعتبار با حزب کمونیست کارگری نداریم. آنها هنوز دست در دست سازمان جوانان کمونیست نگذاشته اند و به این اعتبار کار خود را بخشی از نقشی عمومی در دست سازمان جوانان کمونیست گذاشته اند. مقابله ما با رژیم اسلامی به ۱۸ تیر خلاصه نمیشود. باید از همین امروز و به این اعتبار خود را برای روزهای آینده آماده کنیم. این تنها راه است! (به نقل از «ارزیابی از ۱۸ تیر») در جوانان کمونیست شماره ۱۵۰)

ماتیک گرفته تا آنتن های پشقای، از ممنوعیت قدم زدن دختران و پسران در خیابان گرفته تا اعمال محدودیت های بشمار بر اینترنت، شدت بخشد. (فاکتور دوم) حالا کلام بورژوازی احمقی است که فکر کند در مملکتی که ملاحضند ها و جنتی نیز از حرف اول را میزنند (این همان راه چینی حضرات است!) عرصه برای سودآوری و انباشت طولانی سرمایه آغاز شده است؟

در یک کلام، اگر بخواهیم نتیجه گیری تحلیلی تری از ۱۸ تیر امسال بعمل آوریم، اتفاقاً ۱۸ تیر نشان داد که «بحران جمهوری اسلامی» لاعلاج تر از هر زمان است. ما بارها از دلایل پایه ای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بحران رژیم اسلامی صحبت کرده ایم. شاید موجزتر از همه جا در قطعنامه اوضاع سیاسی کناره سوم (نوشته منصور حکمت) به این موضوع پرداخته ایم. این سند را دوباره چاپ میکنیم و خواننده را به مطالعه دقیق آن فرا میخوانیم. ۱۸ تیر صحت احکام پایه ای قطعنامه ما را بیش از پیش اثبات کرد.

انقلاب ضروری است

اما ۱۸ تیر امسال بیش از آنچه در مورد رژیم اسلامی بگوید، در باره صف مقابل آن حقایق را روشن تر در مقابل ما قرار داد. بر این تأکید گذاشت که امید به سرنگونی جمهوری

احکام ۱۸ تیر ۸۳

اسلامی از بالا و توسط بورژوازی پیش از پیش موضوعیت خود را از دست داده است. ۱۸ تیر بی افقی اپوزیسیون راست، اپوزیسیون بورژوازی رژیم را به نمایش گذاشت. نشان داد که محور تحول و تغییر جامعه فقط می‌تواند اپوزیسیون چپ رژیم (در محور آن کمونیسم کارگری) باشد.

۱۸ تیر امسال کنتراست آشکارتی با شعار «رفراندم» اپوزیسیون راست داشت. شعاری که از سلطنت طلب تا مجاهد تا جمهوری خواهان (دوم خردادی های اپوزیسیون) به یکنسان پشت آن هستند. رژیمی که با قناره سردار طلایی و لباس شخصی های آقا و انواع و اقسام نیروهای ضد شورش (که درافزوده دوم خرداد به دستگاه سرکوب رژیم بود) در مقابل مردم قرار گرفته را نمی شود با پنبه «رفراندم» سر برید. مکمل «رفراندم»، در واقع محتوای اصلی آن، همان «رژیم چنج»

آمریکا بود: مردم شما به خیابان بیایید و شلوغ کنید و ماهم به کمک آمریکا، حمله نظامی و یا کودتای داخلی از یک گوشه ای فرا میرسیم و قدرت را میگیریم و یک رفراندم میگذاریم تا شما ما را انتخاب کنید. ولی این افق بدلیل بی بست «رژیم چنج» در عراق، بدلیل نشان دادن مصائب و ماهیت غیر انسانی اش، بیش از پیش رنگ باخته است. حقیقت این است که یک فاکتور در موفقیت رژیم اسلامی (ولو موقتی و ناپایدار) در مقابله با ۱۸ تیر همین بی افقی اپوزیسیون راست بود. این بی افقی راست، یا نداشتن چشم انداز روشن برای تعویض جمهوری اسلامی از بالا، بخشی از نیروهای بدنه آن در جامعه را منفعل کرد. این انفعال البته به نظر من موقتی است. دیر یا زود بخش های حتی وسیعتری از جامعه به ناگرمی به چپ و بیشتر به چپ میچرخد. ۱۸ تیر یا این تارک که عظیمی که رژیم در مقابل آن کرده بود، با این واقعیت که خود آمریکا و اروپا بخاطر اوضاع عراق دستشان در پوست گردو است، جامعه را بیش از پیش به این سو سوق میدهد: اگر راهی برای نجات از دست جمهوری اسلامی است در دست خود مردم و مبارزه مستقیم آنها برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. اما مبارزه مستقیم و از پایین مردم برای سرنگونی، بویژه اگر در کنار این واقعیت قرار گیرد که شعارهای چپ به میزان زیادی مورد توجه مردم قرار گرفته است، با توجه حضور حزب کمونیست کارگری، دیگر عملا انقلاب را در دستور جامعه قرار میدهد. ۱۸ تیر ۸۳ بیش از پیش بر ضرورت این انقلاب تاکید گذاشت.

اگر در قطعهنامه کنگره سوم (اکتبر ۲۰۰۲) دقت کنید همانجا از این واقعیت صحبت میشود که سیر تحولات ایران صرفا با سرنگونی رژیم اسلامی متوقف نمی شود. بلکه این تازه سرآغاز نبردهای بنیادی تری در جامعه است و تنها حلقه ای در انقلابی است که در ایران در راه است. ۱۸ تیر امسال بطور

روشنتری اینرا تاکید کرد که حتی همان سرنگونی رژیم نیز خود عملا دارد به یک انقلاب عظیم توده ای گره میخورد. انقلابی که فقط میتواند یک انقلاب چپ، یک انقلاب کارگری باشد. و این حکم ۱۸ تیر ۸۳ ابدا ابتدا به ساکن نیست. حکم وقایع چند ساله اخیر است. هرچه اوضاع جلوتر میرود چشم انداز تغییر جمهوری اسلامی توسط بورژوازی (چه از درون خود رژیم و چه از بیرون) تیره و تارتر میشود. از سر برداشتن جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر بر دوش چپ جامعه، یعنی طبقه کارگر و کمونیسم کارگری است قرار میگردد. اگر بخواهید متنی را پیدا کنید که این حقیقت را که ۱۸ تیر امسال نیز مجددا اثبات کرد، بطور موجز و جمعبنی شده و با توجه به فاکتورهای متعدد داخلی و خارجی به شما ارائه دهد به قطعهنامه «حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران»، مصوب کنگره چهارم (دسامبر ۲۰۰۳) که در همین شماره مجددا چاپ میکنیم، رجوع کنید.

از خودبخودی عبور کنیم!

علیرغم آنهمه حکومت نظامی اعلام نشده در ۱۸ تیر امسال، باز بخش هایی از مردم به خیابان آمدند ولی در مقابل توازن قوای شدت نابرابر سکوت کردند. کاری نتوانستند انجام دهند و به خانه برگشتند. میتوان نتیجه گرفت که خوب مردم هوا را پس دیدند و آگاهانه و بدست عقب کشیدند تا به وقت خودش دوباره برگردند و به رژیم اسلامی هجوم ببرند. درست در وقتی که رژیم انتظارش را ندارد. این ارزیابی و این انتظار غلط نیست. حتی ممکن است چنین چیزی رخ بدهد. (چون سیر اعتراضات این چند ساله همینطور بوده است). اما اساس این ارزیابی و این توقع، سپردن اوضاع به دست خودبخودی است: روزی بالاخره اعتراض مردم اقلتر وسیع میشود که کمر رژیم را میشکند. اما این هنوز به شما نمی گوید اگر رژیم اسلامی آمادگی فعلی اش را حفظ کند و حتی آتراً گسترش دهد چه باید کرد؟

شاید بشود این روش را با این واقعیت توضیح داد که جمهوری اسلامی اختناق شدیدی برقرار کرده است. احزاب سیاسی و تشکل های توده ای امکان فعالیت نیافته اند، در نتیجه ما با توده های وسیع ناراضی و بی شکلی روبرو هستیم که خشم شان جایی بیرون میزند. کی و چه وقت و چطور نمی دانیم. خصلت مبارزه علیه جمهوری اسلامی فعلا اینطور است. باید فعال بر همین متکی شد. با اتکاء به همین روش توازن قوا را بهم زد و شرایط بهتری برای مبارزه فراهم آورد... اما بنظر من ۱۸ تیر امسال نشان داد که اتفاقا باید از شیوه و اشکال موجود فراتر رفت و آنها را تکامل بخشید. قبل از هرچیز باید این توقع خودبخودی حاکم بر اذهان را که روزی همه مردم بیرون میروند و رژیم را پایین میکشند، نقد کرد. باید جای آن این تلقی و انتظار را گذاشت که باید قدم به قدم و هر روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی را

جوانان کمونیست ۱۵۰

سازمانیافته تر، منظم تر، با تأمین رهبری محلی و سراسری به پیش برد. باید در مقابل نیروی سازمانیافته و تا به دندان مسلح رژیم، نیروی وسیع مردم سازمانیافته و متحزب (و به موقع اش مسلح) را قرار داد. این تنها راه تضمین شده و کم دردسر ترین برای سرنگونی جمهوری اسلامی و خلاصی از شر آن است. چنین جهت گیری اتفاقا ما را برای بهره جویی از کوچکترین فرصت ها برای عقب راندن و شکست رژیم نیز آماده تر خواهد کرد.

خوب که دقت کنیم می بینم آن توقع خودبخودی حاکم که روزی مردم بیرون میروند و کار رژیم را یکسره میکنند، اتفاقا با افق راست در جامعه همخوانی بیشتری دارد. چون بطور خودبخودی راست و بورژوازی در جامعه دست بالا دارد. افق ها و تلقیات او بطور طبیعی بر اذهان حاکم است. همینکه اوضاع بهم بریزد و رژیم اسلامی فرو بریزد، کاندید طبیعی جانشینی آن راست است. ۱۸ تیر امسال نشان داد که جامعه باید از این توقع خودبخودی عبور کند. نه فقط به

این خاطر که مردم هرچه سازمانیافته تر و آماده تر باشند، خود قدرت و اداره امور خویش را بدست خواهند گرفت. این به جای خود، حتی برای رسیدن بالاقصد ترین و مهمترین خواستش یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی باید این جهت گیری را در دستور قرار دهد که باید وسیعا سازمان یافت و با قدرت اتحاد و تشکل و قیام و انقلاب مردم رژیم اسلامی را پایین کشید. عبارت دیگر جامعه ای که ملتی است به سمت شعارها و مطالبات چپ چرخیده و آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی را در مقابل شعار راست (انواع و اقسام ورژنهای رفراندم) برگزیده، اکنون باید در روش و نحوه مبارزه یا در تاکتیک مقابله با جمهوری اسلامی نیز به چپ بچرخد. برای چپ کافی نیست که شعارهای راست را عقب براند، کافی نیست که مثلا در برابر رفراندم میخ آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی را بگوید، بلکه همچنین باید نشان دهد که در روش های عملی و در سازماندهی توان بسیج نیروی کافی و سرنگونی جمهوری اسلامی را دارد. هیچ بخشی نیست که جا انداختن شعارهای چپ خود یک نکته محوری در این زمینه است. هیچ بخشی نیست که حتی در این زمینه کارهای انجام نشده بسیار زیاد است. اما به نظر من الان وارد مرحله ای شده ایم که چپ (و کمونیسم کارگری و حزین در نوک آن) باید بتواند ابزارهای متحد کردن عظیم ترین توده ها و درهم شکستن جمهوری اسلامی را عرضه کند. این شرط پیشروی مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و شرط منزوی کردن شعارها و آلترناتیو راست است. مردم باید ببینند که پشت شعار آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی توانایی عملی چپ برای رهایی از شر رژیم اسلامی هست.

این موضوع بویژه در سطح نقشه عملی برای سرنگونی رژیم اسلامی و در سطح تاکتیک های مقابله با رژیم

صادق است.

خیابان کافی نیست!

شیوه معمول اعتراضات توده ای علیه جمهوری اسلامی این بوده است که حول سالگرد معینی (مثلا ۱۸ تیر و یا بدرجات محدودتری ۱۶ آذر، ۸ مارس و غیره) و یا به بهانه معینی (مثلا فوتیال) و یا جشنهای سنتی (نظیر چهارشنبه سوری) و یا با باز شدن شکافهایی در بالای رژیم (مثلا انتخابات ها، تقسیمات کشوری) فضای اعتراضات خیابانی (بویژه در بین جوانان) بالا میگردد. تظاهرات ها و جنگ و گریز ها شروع میشود و به این امید که جایی گارد دفاعی رژیم در هم میشکند و سبیل بنیان کن مردم سرزیر میشود. و این دیگر پایان کار جمهوری اسلامی است. ۱۸ تیر نشان داد که رژیم آمادگی بیشتری برای مقابله با این روش بدست آورده است. باید طور دیگری در مقابل آن ظاهر شد. باید نیروی بیشتری را فراهم آورد. باید به روشها و اشکالی مبارزه را پیش برد که رژیم اسلامی قادر به مقابله نباشد.

اما مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی به تظاهرات های ۱۸ تیر و ۱۶ آذر و یا قیام های شهری (نظیر فریون کنار) و اعتراضات عمومی نظیر چهارشنبه سوری محدود نیست. مبارزه علیه جمهوری اسلامی بطور متمد و بنیادی هر روز در متن جامعه جریان دارد. در محلات، در اتوبوس و تاکسی، در پارکها، در کارخانه ها، در مدرسه، در ادارات، در دانشگاه، در سربازخانه و خلاصه همه جا. تظاهرات های خیابانی در واقعی به نوعی برآیند و انعکاس اعتراضات لاینقطع مردم در همه زمینه های زندگی اجتماعی است. ۱۸ تیر امسال نشان داد اتفاقا برای اینکه بتوانیم رژیم را در خیابان شکست بدهیم باید بتوانیم خودمان را در محله، در کارخانه، در مدرسه و در دانشگاه متحذ کنیم. ۱۸ تیر نشان داد که منشاء اتحاد و سازمان ما اتفاقا در خیابان نیست. بهر درجه که بتوانیم خود را در زمینه های پایدارتر و تعیین کننده تر زندگی اجتماعی سازمان دهیم خواهیم توانست در خیابان و در مقابل نیروی سرکوبگر جمهوری اسلامی منظم تر، قوی تر ظاهر شویم. این بهیچ وجه به معنی این نیست که مبارزه و تظاهرات خیابانی را کم رنگ یا کم اهمیت کنیم. خیر، درست برعکس، برای اینکه آتراً گسترش دهیم و فعالیت و موثرتر کنیم، برای اینکه از هر فرصت و حادثه بنحو احسن استفاده کنیم باید در تمامی زمینه های زندگی اجتماعی از محله تا مدرسه و کارخانه و سربازخانه برای خواستهای خود و علیه جمهوری اسلامی متحد شد. باید هر عرصه مبارزه ولو برای کوچکترین خواست ها را به عرصه ای برای متحد شدن و به میدان آمدن رهبران و سازماندهندگان و فعالین کمونیست تبدیل کرد. باید مبارزه لاینقطع علیه حجاب و آپارتاید جنسی را متحد کرد.

باید اعتراضات دانشجویی را متحد کرد. باید اعتراضات معلمان و پرستاران را متحد کرد. باید جنبش خلاصی

فرهنگی جوانان را در ظرفهای متنوع و متشکل و متحد کرد. باید محلات را به تسخیر جوانان و مردم بیزار از جمهوری اسلامی درآورد. و مهمتر از همه باید اعتراضات گسترده کارگری را متحد کرد. باید تارک اعتصابات سراسری معلمان و پرستاران و کارگران نفت را در دستور گذاشت. با چنین پشتوانه ای است که قطعا میتوان نیروی سرکوبگر رژیم اسلامی را درهم کوبید.

طور دیگری هم میشود همین را گفت: مساله به سادگی اینست که وجود مختلف اعتراض مردم در یک کلیت سیاسی و مبارزاتی در مقابل رژیم قرار نگرفته است. مساله این است که مردم هنوز قادر نشده اند تمام نیروی خود را جایی بطور یکجا در مقابل جمهوری اسلامی قرار دهند. اگر چنین کنند حتی بالاترین آمادگی نظامی رژیم اسلامی نیز بسرعت درهم شکسته خواهد شد. بسرعت انسجام درونی نیروهای سرکوب بهم خواهد ریخت، سربازان صفوف ارتش و سایر نیروهای سرکوبگر را ترک خواهند کرد، ارتداد بالا خواهد گرفت، سلاح ها بظرف فرماندهان خواهد گشت و «علی خواهد ماند و حوشش»!

اما این نتیجه گیری نیز برای حزب ما نکته جدیدی نیست. پیش از این ما بر ضرورت متشکل شدن در محلات، در کارخانه، در عرصه جنبش زنان و دانشگاه و غیره به کرات تاکید گذاشته ایم. ۱۸ تیر ۸۳ بر اهمیت آن ده چندان تاکید کرد. اما چگونه میتوان این کار را کرد؟ کلید حل این معما رهبران و پیشروان علنی هستند که به میان می آیند. مردم وسیع را نمی شود در زیر زمین ها و خانه های تیمی متشکل کرد. مبارزه توده ای (چه در محله، چه در کارخانه و مدرسه) علنی است. بی شک روابط فعالین و بخصوص ارتباطات حزبی آنها مخفی است اما رهبری و سازمان توده ای به ناگزیر علنی است. عروج رهبرانی که افق های وسیع جلوی خود میگازند و می آیند که اختیار جامعه را، قدرت سیاسی را بدست بگیرند، به حزب ما بیوبندند و دنیا را تغییر دهند یک ضرورت است. اگر قرار است در برابر جمهوری اسلامی متشکل شویم و آتراً به زیر کشیم به ارتشی عظیم و توده ای احتیاج هست که فرماندهان خود را در همه سطوح دارد. در این زمینه یک سند راهگشا قطعهنامه پلوم بیست کمیته مرکزی ما با عنوان «ابراز وجود علنی رهبران و فعالین چپ» است که اینجا مجددا چاپ میکنیم.

حزب سیاسی کلیدی است

۱۸ تیر ۸۳ نشان داد که حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست آن باید هزاربار از این که هست قوی تر بشود. هزار بار بیشتر در هر گوشه و کنار شهر، در هر محله و مدرسه و کارخانه و بیمارستان و سربازخانه شکل بگیرد و سازمان یابد. صلاهی این حزب، رادیو و تلویزیون اترناسیونال باید در صفحه ۶

قطعنامه در باره اوضاع سیاسی ایران مصوب کنگره سوم (به اتفاق آراء)

۱- بحران کنونی رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود و نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی قابل رفع نیست، بلکه بناگیزه دائمی تعمیق میشود و زمینه های عینی واکوونی رژیم اسلامی را فراهم میکند. اولاً، بقاء هر حکومت بورژوازی، و از جمله رژیم اسلامی، در وهله اول در گرو تضمین یک دوره رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران است، صرفنظر از دشواری عظیم سازماندهی و تضمین چنین افق اقتصادی ای برای هر بخشی از بورژوازی ایران، رژیم اسلامی بنا به مشخصات ماهوی اش بطور ویژه ای از تحقق این امر عاجز است. رژیم اسلامی بنا به ماهیت سیاسی و هویت اسلامی خود تاکنون نتوانسته و نمیتواند به یک حکومت متعارف سرمایه داری در ایران تبدیل شود مناسبات حقوقی و ساختارهای اقتصادی و سیاسی مناسب برای حرکت سرمایه و کارکرد و گسترش مکانیسم بازار را ایجاد و تضمین کند، و شرایط ادغام فعالانه بازار داخلی ایران در اقتصاد و بازار جهانی سرمایه داری را فراهم کند. جمهوری اسلامی نه فقط توان رفع بحران اقتصاد سرمایه داری ایران را ندارد، بلکه خود موجب تشدید این بحران است. بن بست اقتصادی سرمایه داری ایران مبنای اصلی بحران چاره ناپذیر حکومت اسلامی است.

ثانیاً، حکومت اسلامی و نظام سیاسی در ایران، بعنوان یک نظام و رژیم سیاسی استبدادی، مرتجع و ضد انسانی مورد تعرض توده وسیع مردم است. این حکومت که بزور سرنیزه و کشتار تا اینجا دوام آورده است، اکنون رودرروی نسل جدیدی از مردم است که در یک مقیاس دهها میلیونی آزادی و حقوق مدنی خود را مطالبه میکنند. حکومت سرنیزه و سیاست سرکوب و ارباب پاسخوگی این موج اعتراضی

جدید نیست و سرنگونی رژیم اسلامی در دستور جامعه قرار گرفته است. ثالثاً، تسلط حکومت مذهبی و مقررات و موازین ارتجاعی اسلام در ایران دیگر قابل دوام نیست. اسلامیت حکومت مستقیماً در برابر سکولاریسم عمیق مردم و جامعه و فرهنگ عامه قرار گرفته است. جامعه ایران یک حاکمیت مذهبی و اسلامی را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن پیاخاسته است.

۲- بن بست حکومت اسلامی و خطر واقعی سرنگونی و انقلاب شکافهای بسیار عمیقی در درون هیات حاکمه ایجاد نموده است. جناح راست حکومت هرنوع عقب نشینی در برابر اعتراضات مردم را سرآغاز اضمحلال حکومت میدانند و خواهان ادامه سیاست سرکوب و ارباب در جامعه است. جناح اصلاح طلب، جریان دوم خرداد، در تلاش برای حفظ رژیم، خواهان سازماندهی یک حکومت اسلامی تعدیل یافته و متکی بر طیف وسیع تری از محافل و گروههای سیاسی ملی و اسلامی است. اما نه سیاست تشدید اختناق و نه تعدیل حکومت اسلامی هیچیک پاسخ بحران رژیم نیست. استراتژی هردو جناح در متن واقعیات اقتصاد سیاسی ایران امروز و در برابر جنبش سیاسی عظیمی که علیه حکومت اسلامی شکل گرفته است محکوم به شکست است.

۳- تحولات و کشمکشهایی که امروز در ایران در جریان است روند سرنگونی و جایگزینی رژیم اسلامی است. این روند میتواند مراحل گوناگونی را از سر بگذارد و اشکال مختلفی بخود پذیرد. آنچه مسلم است جامعه ایران در چهارچوب جمهوری اسلامی به یک موقعیت غیربحرانی و متعارف باز نمیرسد. جمهوری اسلامی رفتنی است.

۴- سرنگونی رژیم اسلامی پایان سیر تحول سیاسی در ایران نیست. کشمکش طبقات و جنبشهای اجتماعی بر سر اینکه چه نظامی باید بر جای رژیم اسلامی بنشینند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جلال هم اپوزیسیون بورژوازی و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند. از نظر حزب کمونیست کارگری جنبش کنونی علیه رژیم اسلامی و سرنگونی حکومت موجود میتواند حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

۵- تقابل سه جنبش سیاسی اصلی آینده جامعه ایران را رقم میزند. اول، اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی. در سالهای اخیر جریان دوم خرداد پرچم وحدت این جنبش و بستر همکاری مستقیم آن با حکومت ارتجاعی ایران بوده است. کل طیف اپوزیسیون سازشکار حکومت اسلامی به این جنبش تعلق دارند. این جنبش که تا ضربه خامنه ای و جناح راست به اکثریت دوم خردادی مجلس اسلامی ششم صحنه سیاست ایران را تحت الشعاع خود داشت، اکنون رو به تجزیه میروند و اهمیت و جایگاه تاکنونی خود را از دست میدهد. این یک قطب سیاسی عقب مانده و ارتجاعی و بیگانه با آزادی و حقوق مدنی مردم است و بقاء رژیم کنونی را تنها راه حفظ نفوذ خویش در حاکمیت و مقابله با جنبشهای سیاسی بیرون حکومت تلقی میکند. عمر سیاسی مفید این جنبش حداکثر باندازه عمر حکومت اسلامی است. با سرنگونی رژیم اسلامی پرونده اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی در سیاست ایران بسته میشود و نیروهای مختلف این جنبش به محافل و گروهبندیهای کم تاثیرتری در حاشیه جلال نیروهای اصلی راست و چپ در جامعه تبدیل میشوند.

دوم، ناسیونالیسم راست طرفدار غرب. سلطنت طلبان و مدافعان رژیم

شده کرد، برای من این پیامش این بود که دوره کارهای بزرگ فرا میرسد. تاکیبی بود برای تعجیل در ساختن حزبی که بقول منصور حکمت مردم با انکاء به آن زندگی خود را تغییر میدهند، شورا و ارتش سرخ میسازند، انقلاب میکنند، قدرت را میگیرند و دنیا را عوض میکنند. ۱۸ تیر این حزب را به میدان فراخواند. ۱۸ تیر ۸۳ نشان داد دوره توده ای شدن این حزب، دوره ساختن آن در دل هر اعتراض روزمره، دوره گسترش نفوذ آن در محلات و کارخانه ها، در هر اعتصاب و مبارزه، در هر اعتراض به دست درازی های نیروهای رژیم به زنان و جوانان، دوره ای که مردم همه جا بگویند ما میبیریم چون خریمان را داریم، آغاز شده است. به استقبال این وظایف برویم.

سابق ستون فقرات این جنبش اند، اما ابعاد واقعی این جنبش بسیار فراتر است و بخش وسیعی بورژوازی ایران و محافل و کانونهای ملی گرا و جمهوری خواه را در بر میگیرد. علاوه بر این جنبش با زوال جمهوری اسلامی بخشهای مهمی از اپوزیسیون سنتی ملی اسلامی و مدافعان رژیم کنونی را نیز در تقابل با چپ بخود جذب میکند. این یک جنبش ارتجاعی است که اساساً به اعتبار دو دهه حاکمیت ارتجاع اسلامی بر ایران، فقر اقتصادی و انزوی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران، امکان یافته است مجدداً خود را طرح کند. این جنبش از نظر استراتژیکی متحد و پایگاه آمریکا و غرب محسوب میشود و در تلاقی های مهم سیاسی آتی حمایت مادی و تبلیغاتی غرب را خواهد داشت. از نظر اجتماعی افق این جریان تجدید سازمان یک سرمایه داری متکی به کار ارزان و کارگزاران و استبداد پلیسی - نظامی است. در خوشبینانه ترین حالت، نمونه جوامعی نظیر مصر و ترکیه دورنمایی است که این جنبش برای مردم ایران ترسیم میکند.

۶- پیروزی کمونیسم کارگری و رهایی مردم در جلال تاریخساز کنونی در ایران قبل از هر چیز منوط به این است که اولاً، طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل و تحت پرچم سوسیالیستی خود پا به میدان مبارزه بر سر قدرت سیاسی بگذارد، و ثانیاً، توده وسیع مردمی که علیه رژیم اسلامی پیاخاسته اند به سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک آلترناتیو سیاسی و اجتماعی واقعینانه و قابل تحقق بنگرند. تحقق این ملزومات وظیفه حیاتی حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری ایران باید به حزب سیاسی کارگران و رهبر انقلاب مردم بدل شود.

۸- حزب کمونیست کارگری در تحولات جاری ایران برای یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی، برای تحقق آزادی، برابری، حکومت کارگری و برای برقراری فوری یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکند. حزب خواهان سرنگونی فوری رژیم اسلامی است و با هر تلاش نیروهای درون و بیرون حکومت برای حفظ حکومت اسلامی در اشکال جدید و جرح و تعدیل شده قاطعانه مقابله میکند. حزب کمونیست کارگری در عین حال از هر گشایش سیاسی و فرهنگی که با فشار مردم به حکومت اسلامی تحمیل میشود فعالانه دفاع میکند و در مقابل هر تلاش دولت اسلامی برای تشدید اختناق، و پلیسی تر کردن فضای جامعه قاطعانه می ایستد.

از صفحه ۱ رهبران کمونیست در میان مردم

حکمت و جمعی از رهبران شناخته شده حزب در میان مردم توزیع گردید. در اقامتی دیگر در روز ۲۵ تیرماه سلام زیجی و واحدهای همراه قصد گردهمایی و تجمع سیاسی برای مسافران مسیر سقز - بانه در روستای میره ده را داشتند که قبل از شروع کنترل جاده و برپایی گردهمایی، مزدوران رژیم اسلامی خود را به محل رسانند و قصد تیراندازی به واحدهای حزب را داشتند که با عکس العمل سریع و بموقع واحد حزب مواجه شدند. واحدهای حفاظت حزب پس از خنثی کردن توطئه تعرض نیروهای رژیم و فراری دادن آنها، همگی سالم به مناطق امن رسیدند. از میزان تلفات نیروهای رژیم خبری به دست ما نرسیده است. حضور سلام زیجی و همراهان انعکاس قابل توجهی در منطقه داشته است. این حرکت با کاردانی و جسارت سلام زیجی و همراهان و با حمایت مردم با موفقیت اجرا شد. در این حرکت عزیز عبدالله پور و قادر محمدپور و تعداد دیگری از اعضا و کادرهای حزب که به دلایل امنیتی از ذکر نام آنها خودداری میشود، سلام زیجی را همراهی میکردند. حضور چهره های شناخته شده حزب در میان مردم، قبل از هر چیز نشانه قدرت و نفوذ توده ای و رو بردش حزب در منطقه و ناتوانی و ضعف و زبونی حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری از سلام زیجی و رفقا عزیز عبدالله پور و قادر محمدپور و سایر رفقای که سلام زیجی را همراهی کردند و همچنین از مردم آزادیخواه منطقه که با کمک های بیبدی خود این ماموریت را امکانپذیر ساختند صمیمانه قدردانی میکند. جزئیات این پروژه در اطلاعیه بعدی به اطلاع خواهد رسید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ تیر ۱۳۸۳، ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۴

قطعه‌نامه در باره

حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران

مصوب کنگره چهارم (به اتفاق آراء)

۱- حکومت اسلامی با بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمیقی مواجه است. این بحران مزمن، که رژیم بخاطر هویت اسلامی قادر به حل و تخفیف آن نیست، زمینه ساز یک جنبش عظیم سرنگونی طلبانه است که روزبروز بیشتر گسترش و تعمیق پیدا میکند و رادیکالیزه میشود. امروز این جنبش هر نوع محمل و پوششی را بکنار گذاشته و با هویت و خواستها و شعارهای رادیکال خود به میدان آمده است. اکنون مردم در اعتراضات و تظاهرات خود صریحا خواست سرنگونی رژیم را مطرح میکنند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به شعار اصلی مبارزات مردم تبدیل شده است. این شرایط بیش از هر زمان دیگر شکل گیری یک انقلاب عظیم توده ای را در چشم انداز قرار میدهد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم محتمل ترین شکل برکناری رژیم و نظام حاکم بر ایران است.

۲- پروژه دو خرداد و کلا تغییر و استحاله رژیم در هر شکلی به بن بست رسیده است. این پروژه حتی بعنوان پوشش و محملی برای طرح اعتراضات مردم نفوذ خود را از دست داده است و در صحنه سیاسی ایران حتی قادر به وقت خریدن هر چند موقت و کوتاه مدت برای رژیم نیست. اساسا جنبش ملی-اسلامی، که دو خرداد تنها یک شکل بروز آنست، با رشد جنبش انقلابی مردم و به پیروزی رسیدن آن، به پایان حیات سیاسی خود میرسد.

۳- باز شدن افق انقلاب، چشم انداز اپوزیسیون راست برای خریدن بقدرت از طریق کودتا و یا بند و بست از بالا را تیره کرده است. سیاست فراندوم و نافرمانی مدنی، که اساسا پوششی برای مقابله با جنبش انقلابی مردم بود، عملا و در نتیجه رشد جنبش سرنگونی بی اعتبار شده و کارآیی خود را از دست داده است. نیروهای اپوزیسیون راست اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و یا گروههای بینابینی دیگر، با رشد و رادیکالیزه شدن انقلاب علنا در برابر آن قرار خواهند گرفت.

۴- دولتهای غربی، آمریکا و اتحاد اروپا، در برخورد به رژیم اسلامی و کلا وضعیت سیاسی در ایران یک سیاست پراگماتیستی را دنبال میکنند. هدف آنان در کوتاه مدت اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای رام کردن و منطبق کردن آن با سیاستهای غرب در منطقه و مشخصا در عراق و در برخورد به مساله فلسطین است. در دراز مدت آنان خواهان تعدیل و تغییر رژیم اسلامی و نهایتا جانشین

ساختن آن با یک حکومت مطلوب خود هستند. ممانعت از گسترش مبارزه انقلابی مردم و تحریف و متوقف کردن این مبارزات، و حفظ و مصون داشتن نظام سیاسی و اقتصادی سرمایه داری در ایران یکی از اهداف این نوع تغییر و استحاله است. این فاکتور مقابله با انقلاب به موازات رشد مبارزات انقلابی مردم، جای بارزتری در سیاستهای غرب نسبت به رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵- با گسترش جنبش سرنگونی و نزدیک شدن به انقلاب، موقعیت سیاسی نیروهای اپوزیسیون و دول نهادها و نیروهای سیاسی غربی در قبال جمهوری اسلامی، دیگر نه تنها بر مبنای سرنگونی طلبی بلکه اساسا بر مبنای مواضعشان در قبال جنبش انقلابی مردم مشخص میشود. با رشد جنبش انقلابی مردم علیه رژیم، حتی بخشهایی از خود رژیم سرنگونی طلب خواهند شد. در این شرایط صحنه‌ی دیگر نه بین سرنگونی طلبان و «اصلاح طلبان»، بلکه بین طرفداران انقلاب و مخالفین آن، بین دو اردوی انقلاب و ضد انقلاب، شکل میگردد و تعیین کننده میشود. امروز انقلاب و برخورد به جنبش انقلابی مشخصی که در حال شکل گیری است یک عامل اصلی در تعیین مرز بین راست و چپ جامعه و در صحنه سیاست ایران است.

۶- با رشد جنبش انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم که رژیم اسلامی و نیروهای آشکارا مدافع آن را هدف مستقیم خود قرار داده است، نیروهای اپوزیسیون دو خردادی و یا اصلاح طلبان کمتر آبرویافته از همین نوع اپوزیسیون راست، و دولتهای غربی (آمریکا و اروپا) تلاش خواهند کرد تحت لوای تغییر رژیم از بالا، با پرچم رفوم و تغییر تاریخی و مسالمت آمیز رژیم، و حتی به اسم انقلاب، در برابر جنبش انقلابی مردم بایستند و وجه مشترک این نیروها ضدیت با انقلاب و بخصوص هراس از قدرت گیری چپ در شرایط انقلابی است.

۷- حزب کمونیست کارگری در رادیکالیزه کردن و به چپ سوق دادن فضای سیاسی در ایران نقش تعیین کننده ای ایفا کرده است. ورشکستگی پروژه دو خرداد، بی اعتباری آلترناتیو اپوزیسیون راست و سیاستهای نظیر فراندوم، و خنثی شدن تمهیدات غرب برای کنار آمدن با جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر فراگیری شدن شعارها و خواستههای نظیر سکولاریسم، لغو آپارتاید جنسی، آزادی و برابری، لغو مجازات اعدام و خواست آزادیهای بیقید و شرط، و شعارهای رادیکال

مبهم و عاجل حزب ما تبدیل میشود. حزب کمونیست کارگری تضمین کننده رادیکالیسم، پیگیری و سازش ناپذیری جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم کوبیدن نظام سرمایه داری در ایران است. یک شاخص پیشروی و اعتدالی این جنبش طرح و توده گیر شدن شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی»، «آزادی، برابری، حکومت کارگری»، و «برقرار باد جمهوری سوسیالیستی» بعنوان شعارهای اصلی و محوری در میان بخش هر چه وسیعتری از مردم و در تظاهراتها و اعتراضات کارگران، زنان و جوانان است.

۱۰- یک شیوه تحریف و به شکست کشاندن جنبش انقلابی مردم مطرح شدن سناریوهای مختلف تغییر اصلاح رژیم، چهره و شخصیت سازینها و کلا ایستگاهها و موانع مختلفی است که نیروهای ضد انقلاب و مشخصا دولتها و نهادهای غربی بهرامی و بکمک اپوزیسیون راست و نیروهای ملی - اسلامی در برابر جنبش انقلابی مردم قرار میدهند. افشا و خنثی ساختن این طرحها و تلاشهای نیروهای ضد انقلاب پیش شرط پیشروی مبارزات انقلابی مردم و به پیروزی رسیدن انقلاب است. این یک وجه تعطیل ناپذیر از مبارزه حزب ما بعنوان رهبر و سازمانده انقلاب است.

۱۱- حزب ما در عین مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب، خود را برای مقابله با هر نوع شرایطی که ممکن است با کودتا، برکناری جمهوری اسلامی و دیگر اشکال تغییر و تحول در قدرت سیاسی از بالا پیش بیاید آماده میکند. حزب از این شرایط نیز به نفع قدرت گیری مردم و پیشروی بیشتر مبارزه انقلابی آنان برای رسیدن به رهایی و سوسیالیسم استفاده خواهد کرد.

قطعه‌نامه در مورد

ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی و فعالین چپ

حضور تشکیلاتی آنست. سازمان حزب به سرعت باید با قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی آن منطبق شود. حزب در داخل باید اساسا بر پایه بحث حزب و جامعه ساخته شود.

۱- هویت علنی و اجتماعی دادن به گرایش چپ و رادیکال در جنبش کارگری. ظهور و حضور کارگران سوسیالیست و رهبران عملی شناخته شده در میان کارگران و در جامعه، ایجاد تشکلهای توده ای، و سازماندهی کمپین حول مسائل مشخص کارگری و اجتماعی از اجزاء اصلی و پیش شرط شکل و هویت اجتماعی دادن به گرایش چپ و رادیکال سوسیالیست در جنبش کارگری

کلیات این قطعه‌نامه در پلنوم بیستم کمیته مرکزی به تصویب رسید و تصویب نهایی آن به دفتر سیاسی واگذار شد. دفتر سیاسی حزب با وارد کردن اصلاحاتی جزئی متن نهائی قطعه‌نامه را تصویب کرد.

۲- حضور سیاسی و نفوذ اجتماعی حزب در داخل بسیار بیشتر و فراتر از

از آنجا که

۱- یک گام تعیین کننده در جهت رشد و تقویت جنبش انقلابی، دخالت و درگیری و تاثیر گذاری وسیع حزب در این جنبش و سازماندهی و رهبری انقلابی که در پیش است پیاده کردن نتایج و سیاستهای مشخص عملی ناشی از مبحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی در ایران است.

۲- حضور سیاسی و نفوذ اجتماعی حزب در داخل بسیار بیشتر و فراتر از

قطعهنامه کنگره سوم در باره اوضاع ایران و موقعیت ویژه حزب کمونیست کارگری

(به اتفاق آرام به تصویب رسید)

۱- آغاز روند سرنوشتی رژیم اسلامی، پولاریزاسیون اجتماعی و سیاسی موجود در جامعه و واقعیات بنیادی اقتصاد سیاسی سرمایه داری در ایران، فرصت تاریخی تعیین کننده ای برای طبقه کارگر و کمونیسم کارگری برای برقراری سوسیالیسم در ایران فراهم کرده است.

۲- انقلاب ۵۷ اولین صف آرای

عظیم اجتماعی و طبقاتی در متن یک ایران کاپیتالیستی بود. حضور طبقه کارگر در انقلاب ضد استبدادی و ضد سلطنتی ۵۷، چشمگیر، بی سابقه و تعیین کننده بود. با اینحال در فقدان یک جنبش حزبی خود آگاه و ذینفوذ کمونیستی کارگری که بتواند حضور مستقل طبقه کارگر در انقلاب همگانی و رهبری طبقه کارگر برجسته عمومی را تضمین کند و افق رهبریبخش سوسیالیسم کارگری و مارکسی را به آرمان عمومی صف آزادی خواهی و انقلاب بدل کند، جنبش ارتجاعی اسلامی و اپوزیسیون سنتی ملی - اسلامی

از صفحه ۷

جنبش کارگری باشد.

۲- متحد و یکپارچه ساختن مبارزات

کارگری با یکدیگر و با جنبش های اعتراضی (زنان، جوانان و دانشجویان، معلمان و غیره).

مبارزات موجود را باید حول مطالبات حق طلبانه ای که مطرح میکنند به هم تنید. شعار ما اینست: هیچ مبارزه ای نباید منفرد بماند. اعلام حمایت و همبستگی علنی این جنبشها از یکدیگر از طریق انتشار قطعهنامه ها و بیانیه ها و پیامها و تومارهای همبستگی و حمایت، گنجاندن شعارها و مطالبات حمایت آمیز از مبارزات بخشهای دیگر طبقه کارگر و مردم در اعتراضات و تحصنها و تظاهراتها و اعتصابات مشخص هر بخش جامعه، حمایت کردن و حمایت خواستن از کارگران و اتحادیه های کارگری در کشورهای دیگر و سازمانها و مراجع مترقی و انسان دوست جهانی، از جمله اقداماتی است که فوراً باید در دستور فعالین حزب و رهبران عملی قرار بگیرد. در اینجا نیز نقد سبک کار بسته و در خود رایج در جنبش کارگری حلقه کلیدی است. حزب باید با نقد این سبک کار، مبتکر و اشاعه دهنده حمایتها و اعلام همبستگی ها و بهم تنیدن مبارزات در تمام سطوح باشد.

۳- آماده ساختن و به پیش راندن و مطرح ساختن رهبران عملی و شخصیتهای چپ و سوسیالیست در جنبش کارگری و در جنبش زنان و جوانان و سایر اقشار معترض و فعال در جنبش انقلابی.

این رهبران باید در رابطه با مسائل سیاسی و اجتماعی مختلف بنام خود اعلام موضع و اظهار نظر کنند. کارگران سوسیالیست و رهبران عملی جنبش کارگری باید نه تنها در رابطه با کارخانه و رشته خود، بلکه در قبال مسائل و مبارزات سایر بخشهای طبقه کارگر و همچنین مسائل اقشار دیگر و مربوط به کل جامعه نیز فعال باشند و موضع بگیرند و نظر بدهند. جنبش کارگری باید رهبران عملی محبوب و شناخته شده خود را داشته باشد. فعالین و رهبران رادیکال و چپ مبارزات جوانان و دانشجویان و زنان و سایر جنبشهای فعال علیه جمهوری اسلامی نیز باید شناخته شوند و در یک سطح وسیع اجتماعی نفوذ و محبوبیت کسب کنند.

توازن قوا و رعایت امنیت باید در زبان و نحوه بیان و درجه حدت و صراحت ضد رژیم مواضع و نظرات رهبران عملی خود را نشان بدهد و نه در نفس ابراز وجود علنی آنها. در شرایط حاضر بسیاری از این رهبران برای رژیم شناخته شده هستند و بخش وسیعی از آنان بی سر و صدا دستگیر و سرکوب میشوند. شناخته شدن این فعالین در سطح جامعه امنیت آنها را بالا خواهد برد.

۴- تدارک و سازماندهی کمپین ها و ایجاد تشکلهای توده ای با اتکا به رهبران عملی در جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اعتراضی.

کمپین حول مسائل مشخصی که مدام در حال اتفاق افتادن است (اخراج، افزایش دستمزد و پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و سایر تضییقات به کارگران، موارد مشخص اعلام، شلاق و سنگسار،

قدرت و رهبر انقلاب مردم پا به میدان بگذارند. کنگره در عین وقوف به دشواری ها و موانع عظیم و بسیاری که بر سر راه حزب و جنبش کمونیسم کارگری در ایفای این نقش قرار دارد، معتقد است حزب کمونیست کارگری ایران میتواند و باید این گام بلند را بردارد.

۵- کنگره بار دیگر بر اهمیت مباحث «حزب و قدرت سیاسی» و «حزب و جامعه» بعنوان مباحث کلیدی در ارتقاء حزب به سطح وظایف خطیر خویش در دوره کنونی تأکید میکند و خواهان آنست که وسیع ترین استنتاجات عملی این مباحثات به اجرا درآید.

۶- کنگره موکدا توجه رهبران و کادرهای حزب در سطوح مختلف را به ابعاد عظیم وظایفی که دوره کنونی بر عهده آنها میگذارد جلب میکند. کنگره خواهان آنست که استنادهای فعالیت حزب در تمام سطوح متناسب با نیازهای این دوره بالا برده شود.

۷- کنگره به تمام اعضا و فعالین حزب برای حضور در یک مبارزه متحدانه، پرشور، وقفه ناپذیر، منضبط و گسترده برای پیروزی کمونیسم در تحولات جاری ایران فراخوان میدهد.

آزادیخواهی و برابری طلبی، رادیکالیسم و سوسیالیسم در جامعه ایران بدل کرده است. اکنون تمام احزاب و دستجات اصلی بورژوازی ایران، از جریانات اسلامی حاکم و منتقدین درونی شان تا کل اپوزیسیون ملی و اسلامی خارج حکومت و میلیون طرفدار غرب و مدافعان رژیم پیشین، کمونیسم کارگری را بعنوان قطب مقابل خود تعریف میکنند. ضللت با حزب کمونیست کارگری به شاخص ابراز وفاداری با حکومت و تبری جویی از سرنوشتی طلبی و رادیکالیسم و انقلاب بدل شده است.

۴- اوضاع سیاسی ایران یک فرصت معین برای یک حرکت تاریخساز کمونیستی با نتایج دگرگون کننده در ایران و در سطح بین المللی فراهم آورده است. این فرصت نباید از کف برود. کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران توجه حزب را در تمام سطوح به وظایف خطیری که این موقعیت بردوش حزب قرار میدهد جلب میکند. حزب کمونیست کارگری باید بعنوان حزب کارگران در جلال

گرامیداشت روزهای اول ماه مه و ۸ مارس، حجاب اجباری و آپارتاید جنسی، حاد شدن دعوای داخلی رژیم، انتخاباتها و غیره) به شکل علنی و با بکار گرفتن شیوه های ممکن علنی و نیمه علنی نیمه قانونی.

سازماندهی مجامع عمومی و شوراها و دیگر تشکلهای توده ای و تدارک و سازماندهی این سازمانها به شکل علنی و با اتکا به انوریته رهبران جنبش کارگری. تشکلهای علنی کارگری و توده ای را به شکل مخفی نمیتوان تدارک دید.

۵- رهنمودی دهی و آماده سازی و بسیج اعضا و فعالین حزب در داخل برای پیشبرد سیاستهای فوق. تشکیل حوزه ها و دیگر واحدهای

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت

۸ بوقت تهران

از کانال جدید پخش میشود

(مشخصات کانال جدید در همین صفحه)

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا هم

پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

راديو انترناسیونال

راديو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

(این برنامه ها را میتوانید در روی سایت ما نیز گوش کنید)

طول موج جدید راديو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

به سازمان

جوانان

کمونیست

کمک مالی

کنید

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

آدرسها و تلفنهای تماس با سازمان جوانان کمونیست

دیر کمیته مرکزی

بهرام مدرسی ۰۰۴۹ ۱۷۴ ۹۴۴ ۰۲ ۰۱ bahramsjk@yahoo.com

مسئول مالی

مریم طاهری ۰۰۴۶ ۷۰۴۸ ۶۸ ۶۴۷ maritaheri@yahoo.se

کمیته خارج کشور

جمال کمانگر ۰۰۴۴ ۷۸۱ ۴۷۶ ۵۶۱۹ jkamangar@yahoo.com

امید خدابخشی ۰۰۴۵ ۵۱۵ ۲۹۶ ۲۰ omidmadk@yahoo.com

فواد عبداللہی ۰۰۴۴ ۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲ foadabdullahi@yahoo.com

مشاور دیر

ثریا شهابی ۰۰۴۴ ۷۹۴ ۷۴۳ ۰۷۶۳ shahabi_99@yahoo.com

به سازمان جوانان کمونیست پیوندید!